

اثر بخشی برنامه پرورش خلاقیت به شیوه فعالیت‌های گروهی بازی محور بر مؤلفه‌های خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی

مریم سادات کیا فر
سید محسن اصغری نکاح

فناوری آموزش و یادگیری

سال اول، شماره یک، زمستان ۹۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۱۸

چکیده

پرورش خلاقیت کودکان همواره یکی از اهداف بنیادی در حوزه تعلیم و تربیت کودکان است، از آنجاکه مبانی نظری و تجربی در حیطه خلاقیت مؤید قابل پرورش بودن خلاقیت است، لذا پژوهش حاضر باهدف بررسی اثربخشی آموزش برنامه پرورش خلاقیت از طریق فعالیت‌های گروهی برافزایش خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی انجام گرفته است. این پژوهش شبه آزمایشی با پیش‌آزمون- پس‌آزمون و گروه کنترل است. جامعه پژوهش عبارت است از کلیه کودکان پیش‌دبستانی تحت نظارت سازمان بهزیستی در سال تحصیلی ۹۳-۹۲. نمونه پژوهش شامل ۴۴ کودک پیش‌دبستانی بودند که به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و دو گروه کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش ۱۲ جلسه یک‌ساعته مداخلات مربوط با مبانی نظری خلاقیت را دریافت نمودند. ابزار پژوهش فرم B تصویری تورنس بود. به‌منظور تحلیل داده‌ها روش تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار به کار رفت. نتایج نشان داد که برنامه پرورش خلاقیت می‌تواند به‌طور معناداری باعث ارتقاء خلاقیت و مؤلفه‌های آن در کودکان گردد. تفاوت برنامه پرورش خلاقیت برحسب جنسیت در نمره کلی خلاقیت معنادار نبود به عبارتی تأثیر افزایش برنامه روی دختران و پسران در نمره کلی خلاقیت یکسان بود اما در مؤلفه‌های اصالت و بسط، تفاوت برحسب جنسیت معنادار بود و دختران عملکرد بالاتری نسبت به پسران داشتند؛ بنابراین با توجه به اثربخشی برنامه ضروری به نظر می‌رسد که چنین برنامه‌هایی به‌منظور ارتقاء رشد شناختی و خلاقیت در سطح کلان در مراکز پیش‌دبستانی اجرا شود.

واژگان کلیدی: پرورش خلاقیت، فعالیت‌های بازی محور، کودکان پیش‌دبستانی.

اثربخشی برنامه پرورش خلاقیت به شیوه فعالیت‌های گروهی بازی محور بر مؤلفه‌های خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی

مریم سادات کیافر^۱
سید محسن اصغری نکاح^۲

مقدمه

مطالعه رشد خلاقیت در کودکان و شیوه‌های پرورش آن در دوره‌های پیش از دبستان همواره با جذابیت‌های علمی و تربیتی و با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است تا بدان جا که مطالعات نظری، پژوهشی و کاربردی در حیطه خلاقیت کودکان را می‌توان در زمره مباحث موردنیاز روان‌شناسی و تعلیم و تربیت کودکان برشمرد و در این میان دوره‌ی پیش‌دبستانی و به‌ویژه دامنه سنی ۵-۶ سالگی از منظر رشد خلاقیت اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا بدان جا که برخی از سنین پیش‌دبستانی با عنوان اولین دوره‌ی طلایی برای رشد خلاقیت کودکان یاد کرده‌اند (یه^۳، ۲۰۰۸). در سنین خردسالی تمامی کودکان استعداد خلاقشان را در قالب فعالیت‌های مختلفی بروز داده و بسط و گسترش می‌دهند. از جمله آن‌که کودکان به‌طور طبیعی بازی می‌کنند، آواز می‌خوانند، نقاشی می‌کشند، قصه و داستان‌هایی را حکایت می‌کنند، سؤالات متنوع می‌پرسند و معما می‌سازند. با این وجود برخی چنین فعالیت‌هایی را شاهده‌ی بر توسعه خلاقیت کودکان شمرده و برخی نیز این مسئله را که این فعالیت‌های کودکان دارای تمامی ابعاد خلاقیت باشد به دیده تردید نگریسته‌اند (آلفنسو^۴ و همکاران، ۲۰۱۳). بدین معنا که این رفتارها باید دارای ویژگی‌هایی باشند که بتوان آن‌ها را خلاق نامید.

۱. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول، Kiafar110@gmail.com).

۲. استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد (asghari-n@um.ac.ir).

3 Yeh

4 Alfonso-Benlliure

همچنان که گیل فورد تفکر واگرا را با خلاقیت مرتبط می‌داند و معتقد است که از چهار مؤلفه تشکیل شده است. سیالی^۱ (توانایی تولید ایده‌های زیاد در یک مدت زمان کوتاه یا تعداد پاسخ به یک محرک است)، انعطاف‌پذیری^۲ (دادن پاسخ‌های قابل تقسیم به طبقات متفاوت)، اصالت یا تازگی^۳ (توانایی تولید ایده‌های نو و غیرمعمول برای مسائل)، بسط^۴ (توانایی توجه به جزئیات و غنی کردن ایده‌ها) (دزیویوز، ۲۰۱۴ و کاراکل، ۲۰۰۹). همچنین، خلاقیت در قالب ویژگی‌ها و خصوصیات شخص، فرایند خلاق، محصول و تولیدات خلاق بررسی می‌شود و برای کودکان تأکید بر فرایند خلاق است تا تولید خلاق (وانهوک^۷ و همکارش، ۲۰۰۲). در دوره‌ی پیش‌دستانی صرفاً هدف خلق یک تولید نیست، بلکه فکر کردن و سهم شدن در افکار کلاس، با احترام برخورد کردن و ایجاد ایده در محیط است، مسئله‌حائز اهمیت این است که هنرهایمان را در طریق معنادار با دیگران سهم شویم که این مسئله باعث رشد هیجانی و خلاقیت کودکان می‌گردد (غلامی توران پشته و کریم زاده، ۱۳۹۰). اسبورن (۱۹۹۶) و تورنس (۱۹۹۰) باور دارند که همه‌ی افراد کمابیش می‌توانند خلاق باشند و پرورش توانمندی‌های فکری زیربنای خلاقیت است. دبونو (۱۹۸۶) نیز دریافت برای اینکه افراد بتوانند خلاق باشند، باید روش‌های درست اندیشیدن را به آن‌ها آموخت و در این صورت همه‌ی افراد (دختر و پسر، مرد و زن) این توانایی را به دست خواهند آورد که از خود خلاقیت نشان دهند (شریفی و داوری، ۱۳۸۸). به‌طوری‌که عدم تفاوت‌های جنسیتی نتیجه مشترک بسیاری از تحقیقات است (بایر و کافمن^۸، ۲۰۰۸؛ شیخ‌الاسلامی و رضویه، ۱۳۸۴؛ راین، ۱۹۸۳ و جونز، ۱۹۹۳ به نقل از شیخ‌الاسلامی و رضویه،

- 1 fluency
- 2 flexibility
- 3 originality
- 4 elaboration
- 5 Dziedziewicz
- 6 Karakelle
- 7 Vanhook
- 8 Baer & Kaufman

۱۳۸۴؛ هوی و لاو^۱ (۲۰۰۶). علی‌رغم این مسئله که همه‌ی افراد می‌توانند خلاق باشند در این میان برخی از پژوهش‌ها، تفاوت‌های جنسیتی (نمره کلی خلاقیت و مؤلفه‌های آن) نیز دیده می‌شود. یافته‌های این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دختران از خلاقیت بالاتری نسبت به پسران برخوردارند (مرزیه و همکاران، ۱۳۹۱؛ کیم و میکائیل و قاسمی و همکاران ۲۰۱۱ به نقل از مرزیه و همکاران، ۱۳۹۱؛ لی^۲ و همکاران، ۲۰۰۵ و استفانز^۳ و همکاران ۲۰۰۱). برخی از پژوهش‌ها نیز حکایت از آن دارد که برتری با مردان است (لهمان به نقل از رشیدی و شهرآرای، ۱۳۸۷). در تعدادی از پژوهش‌ها نیز به ذکر خرده مقیاس‌های خلاقیت در ارتباط با تفاوت‌های جنسیتی پرداخته‌اند. آکینوی (۱۹۸۲) به نقل از شیخ‌الاسلامی و رضویه، (۱۳۸۴) معتقد است که پسران تنها در بعد انعطاف‌پذیری، برتر از دختران هستند. رشیدی و شهرآرای (۱۳۸۷) با مطالعه خود دریافتند که پسران در ابعاد سیالی و انعطاف‌پذیری و دختران در بعد بسط، نمره بالاتری کسب کرده‌اند. کاسلاس و مگا^۴ (۲۰۰۹) از پژوهش خود که بر روی ۲۲۸ دانش‌آموز ابتدایی انجام گرفت به این نتیجه دست یافتند که به جز بعد اصالت دختران در سیالی، انعطاف‌پذیری و نمره کلی تفکر واگرا به‌طور معناداری نمره بالاتری از پسران کسب کردند. همچنین در یک مطالعه با کودکان ۵ تا ۷ ساله، پسران در اصالت و دختران در بسط، نمره بالاتری را به دست آوردند (پریئو^۵، ۲۰۰۶). تورنس نیز با پژوهش‌های خود مطرح کرد که پسران در اصالت و دخترها در بسط و خلاقیت کلامی نسبت به جنس مخالف عملکرد بهتری دارند (استفانز و همکاران، ۲۰۰۱). در بین کودکان ژاپنی ۶ تا ۷ ساله و کودکان ایتالیایی ۸ و ۱۰ ساله (۵۶ دختر و ۵۶ پسر) دخترها در اصالت و بسط عملکرد بهتری نسبت به پسران داشتند (هانگ^۶ و همکاران، ۲۰۱۳).

1 Hui & Lau
2 Lee
3 Stephens
4 Kousouas
5 Prieto
6 Hong

با توجه به اهمیت خلاقیت به عنوان پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه اندیشه انسان و با توجه به اینکه خلاقیت موهبتی الهی و همگانی است که ظهور آن نیازمند پرورش است و به قول تورنس ایجاد فرصت برای پرورش خلاقیت برای هر جامعه امری حیاتی است (شریفی و داوری، ۱۳۸۸)، این سؤال مطرح می‌شود که از چه روش‌ها و مداخلاتی می‌توان برای ارتقاء تفکر خلاق در جامعه بهره گرفت؟ و چگونه می‌توان برخلاف شیوه‌های سنتی آموزش که بازدارنده خلاقیت هستند این فرصت را برای رشد جامعه فراهم کرد؟

در مطالعات گذشته شیوه‌ها و برنامه‌های مختلفی برای پرورش خلاقیت مطرح شده است از جمله آموزش فلسفه به کودکان (جهانی، ۱۳۸۵)، بدیعه پردازی (مؤمنی مهموئی و اوجی نژاد، ۱۳۸۹)، موسیقی (کاتسپیدو، هارگریوز، ۲۰۰۹)، بارش مغزی (گنجی و همکاران، ۱۳۸۴ و میچینو، ۲۰۷۲)، داستان‌پردازی خلاق (سموگرزیزوک^۳، ۲۰۰۹)، بازی (سانسان وال^۴، ۲۰۱۴)، مولیناکس و دیلالا^۵، ۲۰۰۹)، نمایش خلاق (ذکریایی و همکاران، ۱۳۸۷. کاراکل، ۲۰۰۹)، نقاشی (جمالی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹)، غلامی توران پشته و کریم زاده، ۱۳۹۰، دیویوز، ۲۰۱۳)، در ادامه هر کدام از این روش‌ها و یافته‌های پژوهشی برگرفته از کاربرد آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

برخی از برنامه‌های پرورش خلاقیت در اصل به مهارت‌های بنیادی تفکر و به پرورش پرسشگری و شیوه فکر کردن می‌پردازند از جمله برنامه آموزش فلسفه به کودکان که در بردارنده مجموعه‌ای از داستان‌ها دارای مضامین فلسفی است که با به کارگیری شیوه‌ها و فن‌های اکتشافی در صدد پرورش لایه‌های عمیق معرفت و پی‌ریزی الگوی اندیشیدن خلاق است. در پژوهشی که توسط جهانی (۱۳۸۵) انجام گرفت نتایج به دست آمده نشان داد که آموزش برنامه فلسفه به

1 Koutsoupidou & Hargreaves

2 Michinov

3 Smogorzewska

4 Sansanwal

5 Mullineaux & Dilalla

کودکان در ارتقاء سطح مهارت‌های خلاقیت و قدرت استدلال دانش‌آموزان مؤثر است. همچنین به‌زعم برخی صاحب‌نظران، گوش دادن موسیقی باعث افزایش خلاقیت نمی‌شود بلکه خلق و تولید در این حوزه است که خلاقیت را افزایش می‌دهد. در پژوهشی که توسط کاتسپیدو، هارگریوز^۱ (۲۰۰۹) انجام گرفت درس موسیقی کودکان گروه آزمایش با فعالیت‌های بداهه‌نوازی^۲ غنی‌شده بود و گروه کنترل برنامه معلم-محور را دریافت می‌کردند. نتایج نشان داد که انعطاف‌پذیری و اصالت در کودکان گروه آزمایش ارتقاء پیدا کرد. قصه و داستان ابزارهای دیگری هستند که در پرورش خلاقیت کاربرد دارند به‌ویژه اگر قصه و داستان‌پردازی به روش خلاق و مبتنی بر ایجاد، تخیل و تصویرسازی باشد باعث افزایش خلاقیت و انگیزش درونی می‌شود، شنیدن قصه به‌تنهایی نمی‌تواند در افزایش خلاقیت مؤثر باشد. در پژوهشی که توسط سموگریوزک^۳ (۲۰۱۲) انجام گرفت از دو روش تداعی سلسله مراتبی برای ساخت داستان (این فن فرایندی است که به‌جای اینکه کودک منفعلانه به داستان گوش دهد می‌تواند فعالانه داستان خلق کند) و روش دنبال کردن مسیر داستان^۳ (در این روش معلم قسمتی از داستان را مطرح می‌کند سپس کودکان ایده‌ها و تخیلاتشان را می‌گویند بر اساس آنچه کودکان خلق کردند معلم قسمت بعدی داستان را می‌گوید تا زمانی که هدف اصلی کلاس تحقق پیدا کند و کودکان ایده‌ی دیگری نداشته باشند) به‌عنوان روشی برای افزایش خلاقیت کودکان ۵ ساله استفاده کرد. نتایج نشان داد که هر دو روش توانایی‌های زبانی و تفکر خلاق کودکان را رشد می‌دهد. مسبلاین (۲۰۰۷) به نقل از سموگریوزک (۲۰۱۲) نیز بیان می‌کند که روش سیر داستان، انعطاف، بسط، سیالی و اصالت را در کودکان رشد می‌دهد و بازی از طریق رشد فرایندهای عاطفی و شناختی باعث رشد تفکر خلاق می‌شود. علاوه بر اصول مطرح‌شده بازی نیز بر رشد فرایندهای فراشناختی و خودتنظیمی اثر می‌گذارد و این فرایندها به‌نوبه‌ی خود باعث رشد خلاقیت و حل مسئله

1 Koutsoupidou & Hargreaves

2 Improvisation

3 storyline

می‌شوند، به عبارتی دیگر بازی را تسهیل‌گر رشد خلاقیت می‌دانند (سانسان وال، ۲۰۱۴). نتایج پژوهش مولیناکس و دیلالا (۲۰۰۹) نشان داد که از بین دو آزمون گرفته‌شده برای سنجش تفکر خلاق تنها یک آزمون نشان داد که بازی‌های وانمودی در ۵ سالگی به‌طور معناداری خلاقیت را در اوایل نوجوانی پیش‌بینی می‌کند. نتایج پژوهش موران^۱ و همکاران (۱۹۸۸) که با ۴۷ کودک پیش‌دبستانی انجام گرفت نشان داد که اسباب‌بازی‌های ساختاریافته در مقایسه با اسباب‌بازی‌های بدون ساختار انعطاف‌پذیری تفکر را به‌طور معناداری کاهش می‌دهند. در مقابل بازی‌های وانمودی و اسباب‌بازی‌های بدون ساختار که باعث افزایش خلاقیت می‌شوند. پژوهش غلامی توران پستی و کریم زاده (۱۳۹۰) نشان داد که دانش‌آموزانی که بازی‌های رایانه‌ای انجام می‌دهند در بعد اصالت و بسط نمرات پایین‌تری نسبت به دانش‌آموزانی که بازی‌های رایانه‌ای را انجام نمی‌دادند گرفتند، نمایش خلاق یک شیوه‌ی اساسی یادگیری برای کودکان است که باعث نیرو بخشیدن به قدرت تخیل و آزاد شدن نیروی خلاقانه در کودکان می‌شود (ذکریایی و همکاران، ۱۳۸۷). کاراکل (۲۰۰۹) هدف مطالعه خود را این مسئله قرارداد که آیا نمایش خلاق می‌تواند سیالی و انعطاف‌پذیری تفکر را افزایش دهد. برای رسیدن به این هدف ۳۰ آزمودنی که متوسط سن آن‌ها ۲۵ سال بود را به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم کرد. گروه آزمایش مداخلات لازم را دریافت نمودند. نتایج، فرضیه محقق را تأیید نمود به این معنا که فرایند نمایش خلاق توانست سیالی و انعطاف‌پذیری تفکر آزمودنی‌ها را افزایش دهد. هوی و لاو (۲۰۰۶) طی ۱۶ هفته مداخله با دانش‌آموزان به نتایج مشابهی دست یافتند. همچنین مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون آموزش ایفای نقش نشان داد که این آموزش‌ها توانایی‌های خلاق، سیالی و اصالت را در دانشجوین افزایش می‌دهد (کاروسکی و سسزینسکی^۲، ۲۰۰۸). در ایران از ترکیب دو روش نمایش خلاق و قصه‌گویی (ذکریایی و همکاران، ۱۳۸۷) و بازی و قصه‌گویی (رادبخش و همکاران، ۱۳۹۲) برای افزایش خلاقیت استفاده شد و نتایج هر دو روش ترکیبی نشان داد که استفاده از این روش‌ها

1 Moran

2 Karwowski & Soszynski

به طور معناداری باعث افزایش خلاقیت در هر چهار مؤلفه آن می شود، در ارتباط با نقاشی و خلاقیت باید عنوان کرد که استفاده از رنگ ها در نقاشی جدا از واقعیت طبیعی شان باعث تحریک خلاقیت در کودکان می شود (غلامی توران پستی و کریم زاده، ۱۳۹۰). در پژوهشی که توسط دیویوز (۲۰۱۳) انجام گرفت به مدت ۵ هفته کتاب های نقاشی به کودکان داده شد که هدف آن تحریک تفکر خلاق و تخیل بود، بعد از بارش مغزی و مشارکت آن ها در بیان ایده ها، وظیفه کودک این بود که با توجه به ایده ای که در ذهن دارد نقاشی را تکمیل کند، نتایج نشان داد که مداخلات توانست اصالت و سیالی تفکر در کودکان را رشد دهد. نتایج پژوهش جمالی فیروز آبادی و همکاران (۱۳۸۹) نشان می داد آموزش نقاشی به روش آزاد منجر به افزایش سیالی، ابتکار، بسط می گردد، اما در انعطاف پذیری تأثیری نمی گذارد. آموزش نقاشی از طریق انتخاب موضوعی در بالا بردن ابتکار، انعطاف پذیری و بسط مؤثر است اما بر سیالی بی تأثیر است. از طرفی دیگر آموزش نقاشی به روش تکمیلی منجر به افزایش خلاقیت نمی شود. انگیزه نیز از مؤلفه های مهم در خلاقیت است به طوری که آمبیل (۱۹۹۶ به نقل از رابسون، ۲۰۱۴) نقش کلیدی را برای انگیزه به ویژه انگیزه درونی در بروز خلاقیت قائل است. او در سال (۱۹۸۲) تأثیر جایزه بر ساخت کاردستی های کاغذی را مورد مطالعه قرار داد. به گروه آزمایش گفته شده بود که پس از اتمام کار به آن ها جایزه داده خواهد شد اما در گروه کنترل جایزه مطرح نشد نتایج حاکی از آن بود که کاردستی های گروه کنترل به طور معناداری خلاقانه تر از کاردستی های گروه آزمایش بود (شیخ الاسلامی و رضویه، ۱۳۸۴).

با مرور پیشینه پژوهش مشخص گردید که خلاقیت مسئله ای غریب که با آموزش قابل ارتقاء نباشد، نیست و با استفاده از فن های متنوع قابل پرورش است. همچنین، یازده نوع برنامه برای پرورش خلاقیت مطرح شد که البته بعضی از این فن ها و پژوهش ها تا حدی زیادی با یکدیگر هم پوشانی دارند و ویژگی اصلی بیشتر آن ها مرتبط بودن آن ها با حوزه ی هنری است، پژوهش

حاضر با ترکیبی از بازی‌های بدون ساختار، داستان، معما، نقاشی و کار دستی بر مبنای چهار مؤلفه تفکر خلاق مطابق با نظر گیل فورد سعی در پرورش تفکر خلاق در کودکان پیش دبستانی دارد. بنابر مطالب عنوان شده لازم به ذکر است که در مدل دستگاه‌های بوم‌شناختی رشد خلاقیت، یه (۲۰۰۴) معتقد است که چهار سیستم شامل ریز سیستم، میان سیستم، برون سیستم و کلان سیستم تأثیر گسترده‌ای بر رشد خلاقیت افراد دارد. ریز سیستم شامل ویژگی‌های ذاتی و آموخته شده است، میان سیستم شامل تجربه‌های مدرسه و خانواده است (یه، ۲۰۰۸) به‌طور مثال در حال حاضر شواهد قابل توجهی وجود دارد که شخصیت معلم (انرژی بالا، اعتماد به نفس، گشودگی به تجربه‌های جدید، خود پذیرندگی، کنجکاوی، ریسک‌پذیری، حسی از خود به‌عنوان فردی خلاق، انگیزه درونی) بر خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد (چنج و لانگ، ۲۰۱۴)، برون سیستم شامل امکاناتی است که محیط‌های کاری و شغلی برای افراد فراهم می‌کنند مانند مرخصی، برنامه‌های کاری انعطاف‌پذیر و...، کلان سیستم شامل محیط‌های اجتماعی- فرهنگی مثل ارزش‌ها، قوانین، سنت‌ها و امکانات است. مطابق با این مدل ریز سیستم بامیان سیستم تعامل دارد و این تعامل اثری را بر رشد استعداد های خلاق کودکان پیش دبستانی می‌گذارد. در نتیجه در این مطالعه هدف بر این است که آیا با تقویت میان سیستم و فراهم کردن تجربه‌های غنی محیطی یعنی افزودن برنامه پرورش تفکر خلاق به کودکان به برنامه‌های عادی مرکز پیش دبستانی در یک دوره زمانی خاص و تعریف شده و ارتباطات کتبی با خانواده می‌تواند باعث تقویت ریز سیستم شود و این آموزش‌ها می‌تواند توانایی‌های وجودی و آموخته شده کودکان را افزایش دهد؟ و این مسئله که جنسیت در این میان چه نقشی دارد. آیا تفاوت‌های جنسیتی در میزان خلاقیت کودکان وجود دارد و آموزش چه تأثیری بر آن می‌گذارد؟

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع شبه آزمایشی و با روش پیش آزمون و پس آزمون با گرو کنترل است. کودکان گروه آزمایش به مدت ۱۲ جلسه یک ساعته آموزش های مرتبط با خلاقیت را دریافت کردند. گروه کنترل آموزش های معمولی هرروزه مرکز پیش دبستانی را طبق همیشه دریافت می کردند.

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه کودکان پیش دبستانی شهر مشهد در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ هست. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس از سه مرکز پیش دبستانی شهر مشهد که از جایگاه اقتصادی- اجتماعی همسانی برخوردار بودند و از حیث روش های آموزش تا حد ممکن شبیه به هم را به نظر می رسیدند، انتخاب شدند. نمونه یاد شده شامل ۲۲ دختر و ۲۰ پسر است. به منظور کنترل اثر جنس بر فعالیت های گروهی ۱۲ دختر و ۱۰ پسر به صورت جداگانه در گروه آزمایش و ۱۲ دختر و ۱۰ پسر به صورت تصادفی در گروه کنترل قرار گرفتند (به این علت که بر اساس شواهد تجربی در دوران کودکی اولیه دختران به لحاظ مهارت های زبانی، اجتماعی - فعالیت های گروهی و بین فردی در سطح بالاتری از پسران قرار دارند (هانگ و همکاران، ۲۰۱۳)؛ و این مسئله ممکن بود که بر روند کار تأثیرگذار باشد بنابراین آموزش های گروه آموزش به صورت جداگانه در دو گروه دختر و پسر انجام گرفت).

در این پژوهش برای اندازه گیری خلاقیت گروه های کنترل و آزمایش در پیش - پس آزمون از آزمون خلاقیت تصویری تورنس فرم B استفاده شد؛ که شامل سه قسمت ساخت تصویر، تکمیل تصویر و دایره ها است. زمان پاسخ گویی به هر فعالیت ۱۰ دقیقه و کل آزمون ۳۰ دقیقه به طول می انجامد. محاسبه روایی سازه و محتوایی آزمون که به روش تحلیل عاملی صورت گرفته است، شواهد نظری و تجربی قابل قبولی در حمایت از روایی هر یک از قسمت های آزمون به دست داده است (امامی پور به نقل از عسگری، ۱۳۸۶). تورنس (۱۹۹۰) ضریب همبستگی بین ۰,۸۶ تا ۰,۹۹، رابین نمرات نمره دهندگان آموزش دیده و آموزش ندیده گزارش کرده است. در

بررسی دیگری، میانگین ضریب پایایی برای آزمون‌های تصویری از ۰,۸۸ تا ۰,۹۶ گزارش شده است. در نمونه ایرانی، پیر خائفی (۱۳۷۲)، ضریب پایایی ۰,۸۰ را در فاصله زمانی دو هفته‌ای به شیوه‌ی باز آزمایی بر روی ۴۸ دانش آموز در عناصر سیالی ۰,۷۸، ابتکار ۰,۷۴، انعطاف پذیری ۰,۸۱ و بسط ۰,۹۰ گزارش نمود (شریفی و داوری، ۱۳۸۸).

در ابتدا از تمامی کودکان (آزمایش و کنترل) آزمون تفکر خلاق تصویری تورنس به عنوان پیش آزمون گرفته شد. سپس کودکان گروه آزمایش (۱۲ دختر و ۱۰ پسر) به منظور کنترل جنس بر فرایند کار به صورت گروه‌های جداگانه طی ۱۲ جلسه که هر هفته دو جلسه را شامل می‌شد مورد آموزش قرار گرفتند. جلسات پرورش خلاقیت شامل قصه‌گویی خلاق، قصه سازی خلاق، کاردستی خلاق، کار با خمیر، نقاشی خلاق، گفتن معما، بازی‌های خلاق از کاربرد متفاوت اشیاء تا بازی‌هایی برای جابه‌جا کردن طبقات ذهنی کودکان و ساختن اشکال متعدد با اشیاء هندسی انجام می‌گرفت. برای هر جلسه تکلیف به صورت کتبی نوشته می‌شد تا کودکان به والدین خود دهند و هدف از این کار ایجاد پیوندی بین این برنامه که در مرکز پیش‌دبستانی انجام می‌گرفت با خانواده بود. در هر جلسه پاسخ‌های آزمودنی‌ها از منظر چهار بعد تفکر خلاق مورد توجه قرار می‌گرفت و پژوهشگر یادداشت‌هایی را جهت توسعه برنامه پرورش خلاقیت در ابعاد چهارگانه تهیه می‌نمود و با فعالیت‌ها به صورت مستمر مورد بررسی و تحلیل آن‌ها قرار می‌گرفت و در قسمت‌هایی که کاستی و کمبودی مشاهده می‌شد برای جبران، فعالیت‌ها و سؤال‌هایی ارائه می‌گردید. در این کار، گروه کنترل هیچ آموزشی را دریافت نکرد. دو هفته پس از اتمام جلسات آموزش تمامی کودکان (آزمایش و کنترل) مجدداً در آزمون تفکر خلاق تصویری تورنس شرکت کردند. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و تحلیل کوواریانس استفاده شد.

نتایج

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه گردیده است. میانگین، انحراف معیار و معناداری اختلاف بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون در چهار بعد تفکر خلاق در گروه‌های مورد مطالعه به شرح ذیل است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و معناداری اختلاف میانگین نمرات متغیر تفکر خلاق در گروه‌های

مورد مطالعه

گروه‌ها	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	میانگین	انحراف معیار	معناداری اختلاف میانگین
سیالی	۱۴,۰۸	۵,۱۰	۲۱,۷۵	۳,۱۳	۰,۰۰۱
انعطاف	۱۱,۰۸	۳,۸۴	۱۹,۵۰	۲,۹۳	۰,۰۰۰
اصالت	۱۷,۰۰	۷,۰۵	۳۹,۶۷	۱۱,۳۸	۰,۰۰۰
بسط	۴۱,۴۲	۲۵,۱۲	۷۱,۱۷	۲۰,۴۱	۰,۰۰۰
نمره کل	۸۳,۵۸	۳۷,۹۰	۱۵۲,۸	۳۸,۳۲	۰,۰۰۰
سیالی	۷,۱۰	۵,۵۸	۱۵,۷۰	۴,۴۹	۰,۰۰۰
انعطاف	۶,۹۰	۵,۶۶	۱۳,۸۰	۴,۰۵	۰,۰۰۰
اصالت	۱۰,۰۰	۹,۴۹	۲۳,۸۰	۹,۵۲	۰,۰۰۰
بسط	۱۹,۷۰	۲۰,۶۵	۴۲,۴۰	۲۴,۴۹	۰,۰۰۴
نمره کل	۴۳,۷۰	۳۹,۶۶	۹۵,۷۰	۴۰,۱۱	۰,۰۰۰
سیالی	۱۰,۹۱	۶,۴۰	۱۹,۰۰	۴,۸۳	۰,۰۰۰
انعطاف	۹,۱۸	۵,۱۰	۱۶,۹۱	۴,۴۷	۰,۰۰۰
اصالت	۱۳,۸۲	۸,۸۰	۳۲,۴۵	۱۳,۱۱	۰,۰۰۰
بسط	۳۱,۵۵	۲۵,۲۱	۵۸,۰۹	۲۶,۲۷	۰,۰۰۰
نمره کل	۶۵,۴۵	۴۲,۸۹	۱۲۶,۴۵	۴۳,۹۹	۰,۰۰۰
دختر	۱۴,۱۷	۴,۳۶	۱۳,۵۰	۳,۴۲	۰,۴۷

اثربخشی برنامه پرورش خلاقیت به شیوه فعالیت‌های...

۰,۶۸	۳,۰۴	۱۲,۰۰	۴,۱۰	۱۲,۴۲	انعطاف	(۱۲ نفر)
۰,۹۱	۸,۸۲	۱۸,۵۸	۷,۴۵	۱۸,۸۳	اصالت	
۰,۲۲	۲۲,۲۸	۳۹,۸۳	۲۲,۱۱	۴۵,۵۸	بسط	
۰,۳۰	۳۴,۴۶	۸۳,۹۲	۳۳,۷۹	۹۱,۰۰	نمره کل	
۰,۴۷	۵,۶۵	۱۱,۸۰	۴,۸۸	۱۲,۴۰	سیالی	
۰,۱۵	۴,۷۹	۱۰,۱۰	۴,۳۲	۱۱,۴۰	انعطاف	
۰,۵۶	۸,۳۹	۱۵,۱۰	۸,۸۳	۱۶,۵۰	اصالت	پسر (۱۰ نفر)
۰,۷۸	۱۰,۱۱	۱۷,۰۰	۱۱,۸۵	۱۷,۳۰	بسط	
۰,۱۶	۲۶,۵۱	۵۴,۰۰	۲۶,۱۱	۵۷,۶۰	نمره کل	
۰,۲۹	۴,۵۳	۱۲,۷۳	۴,۵۸	۱۳,۳۶	سیالی	
۰,۲۲	۳,۹۵	۱۱,۱۴	۴,۱۲	۱۱,۹۵	انعطاف	
۰,۶۱	۸,۶۱	۱۷,۰۰	۸,۰۰	۱۷,۷۷	اصالت	کل (۲۲ نفر)
۰,۲۰	۲۰,۹۶	۲۹,۴۵	۲۲,۸۹	۳۲,۷۳	بسط	
۰,۱۴	۳۴,۰۰	۷۰,۳۲	۳۴,۳۵	۷۵,۸۲	نمره کل	

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که افزایش توانایی تفکر خلاق در هر چهار بعد در کودکان گروه آزمایش (هم کودکان دختر و هم کودکان پسر) در طول زمان (اختلاف پیش‌آزمون و پس‌آزمون) معنادار است ($P < 0.1$)؛ اما در گروه کنترل (هم کودکان دختر و هم کودکان پسر) افت اندکی دیده می‌شود که به لحاظ آماری معنادار نیست به این معنا که آموزش‌های معمول مرکز پیش‌دبستانی نتوانسته خلاقیت کودکان گروه کنترل را در طول زمان افزایش دهد ($p > 0.05$).

از آنجایی که یکی از پیش‌شرط‌های لازم برای انجام تحلیل کوواریانس یکسان بودن واریانس‌های گروه‌ها است. آزمون لون اجرا گردید ($F_{(3,40)} = 1.950, p = 0.13$). معنادار نبودن نتایج بیانگر این مسئله است که همسانی پراکندگی نمرات گروه‌های آزمایش و گواه وجود دارد و لذا امکان اجرای تحلیل کوواریانس وجود دارد.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس با کنترل اثر پیش‌آزمون برای متغیر خلاقیت

شاخص‌های آماری	ss	df	F	P - value	η^2
پیش‌آزمون	۲۰۸۹۲,۷۴	۱	۳۷,۳۶	۰,۰۰۰	۰,۴۸
مداخله	۴۰۷۸۳,۱۸	۱	۷۲,۹۳	۰,۰۰۰	۰,۶۵
جنسیت	۳۰۷۲,۹۸	۱	۵,۴۹	۰,۰۲	۰,۱۲
مداخله × جنسیت	۱۳۴۳,۲۳	۱	۲,۴۰۲	۰,۱۲	۰,۰۵

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌کنید، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون تفاوت میانگین نمره کل خلاقیت در دو گروه معنادار است ($F = 72,93, p < 0,001, \eta^2 = 0,65$). به عبارتی آموزش در افزایش خلاقیت مؤثر بوده است. همچنین با توجه به معنادار بودن جنسیت ($F = 5,496, p < 0,05, \eta^2 = 0,12$) می‌توان نتیجه گرفت که صرف‌نظر از مداخله، عملکرد دخترها و پسرها با یکدیگر متفاوت است و این اختلاف به نفع دخترها است؛ اما تعامل بین جنسیت و مداخله در نمره کل خلاقیت معنادار نبود، به این معنا که میزان تأثیر افزایشی نمره خلاقیت ناشی از آموزش در دختران و پسران به یک اندازه بوده است.

برای بررسی خرده‌مقیاس‌های تفکر خلاق (سیالی، انعطاف، اصالت و بسط) از روش تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شد. در ابتدا آزمون لون برای برابری واریانس‌ها گرفته شد که نتایج آن نشان داد واریانس دو گروه در تمام خرده‌مقیاس‌های تفکر خلاق برابر است چون p به‌دست آمده بزرگ‌تر از $0/05$ بود بنابراین فرض صفر که بیان می‌کند واریانس‌ها باهم برابر هستند تأیید شد.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس برای خرده مقیاس‌های تفکر خلاق با کنترل اثر پیش‌آزمون در گروه‌های مورد مطالعه

شاخص‌های آماری	ss	df	F	P - value	η^2
سیالی	۵۲۹,۳۷	۱	۵۴,۰۱	۰,۰۰۰	۰,۶۰
انعطاف	۴۴۹,۳۹	۱	۵۸,۳۱	۰,۰۰۰	۰,۶۱
اصالت	۲۹۲۰,۴۲	۱	۵۰,۲۳	۰,۰۰۰	۰,۵۸
بسط	۸۶۹۹,۹۹	۱	۴۸,۲۶	۰,۰۰۰	۰,۵۷
سیالی	۳۳,۹۱	۱	۳,۴۶	۰,۰۷	۰,۰۸
انعطاف	۴۶,۶۲	۱	۶,۰۴	۰,۰۱	۰,۱۴
اصالت	۵۸۳,۲۷	۱	۱۰,۰۳	۰,۰۰۳	۰,۲۱
بسط	۱۴۱۸,۱۹	۱	۷,۸۶	۰,۰۰۸	۰,۱۷
سیالی	۳۶,۰۸	۱	۳,۶۸	۰,۰۶	۰,۰۹
انعطاف	۲۶,۵۵	۱	۳,۴۴	۰,۰۷	۰,۰۸
اصالت	۴۹۸,۶۷	۱	۸,۵۷	۰,۰۰۶	۰,۱۹
بسط	۱۰۱۵,۳۱	۱	۵,۸۳	۰,۰۲	۰,۱۳

همان‌طور که نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد، نتایج به‌دست آمده از مقایسه پس‌آزمون خرده مقیاس‌های تفکر خلاق در دو گروه با کنترل اثر پیش‌آزمون حاکی از این است که پس از شرکت در جلسات آموزش، بین نمرات گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در تمام خرده مقیاس‌ها تفاوت آماری معناداری وجود دارد؛ که با مراجعه به جدول میانگین‌ها (۱) می‌توان به اثربخشی مداخلات پی برد. همچنین با توجه به معنادار بودن جنسیت در دو خرده مقیاس اصالت ($\eta^2 = ۰,۲۱$) و $\eta^2 = ۰,۰۱$ ، $p < ۰,۰۱$ ($F = ۵۰,۲۳۱$) و بسط ($\eta^2 = ۰,۱۷$ ، $p < ۰,۰۱$ ، $F = ۴۸,۲۶$) می‌توان نتیجه گرفت که صرف نظر از مداخله، عملکرد دخترها و پسرها با یکدیگر در این دو خرده مقیاس متفاوت است و این اختلاف به نفع دخترها است. همچنین، تعامل بین جنسیت و مداخله در دو خرده مقیاس اصالت ($\eta^2 = ۰,۱۹$ ، $p < ۰,۰۱$ ، $F = ۸,۵۷$) و بسط ($\eta^2 = ۰,۱۳$ ، $p < ۰,۰۵$ ، $F = ۵,۸۳$) متفاوت است، به این معنا که میزان تأثیر افزایشی نمره خلاقیت در خرده مقیاس‌های اصالت و

بسط ناشی از آموزش در دختران و پسران به یک اندازه نبوده است و این تأثیر افزایشی ناشی از آموزش در دختران بالاتر از پسران است.

بحث

نتایج نشان داد که صرف نظر از جنسیت، آموزش می تواند باعث افزایش خلاقیت کودکان در نمره کلی خلاقیت و مؤلفه های آن گردد. در تبیین دلایل اثربخشی آموزش باید عنوان کرد که رایت و رایت (۱۹۹۰ به نقل از جمالی نژاد و همکاران، ۱۳۹۱) معتقدند که غنی سازی محیط باعث بهبود خلاقیت در کودکان می گردد. در پژوهش حاضر نیز برنامه ای ۱۲ جلسه ای مبتنی بر فن هایی برای افزایش خلاقیت کودکان به برنامه های عادی مرکز پیش دبستانی در گروه آزمایش اضافه گردید و در همین زمان کودکان گروه کنترل برنامه های عادی را دریافت می کردند و برتری کودکان گروه آزمایش مشخص گردید؛ بنابراین برنامه ای اصولی و علمی می تواند باعث غنای برنامه های عادی و روزانه مراکز پیش دبستانی و باعث رشد شناختی و خلاقیت در کودکان گردد و این نتیجه لزوم اقدامات گسترده تر را آشکار می سازد. این غنی سازی محیط با استفاده از روش بازی، قصه گوئی و قصه سازی خلاق، کاردستی، نقاشی و حل معما بود.

بازی عمده ترین شکل فعالیت کودک و مناسب ترین آن برای رشد ایجاد گری و خلاقیت به شمار می رود (رادبخش و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین بازی را تسهیل گر رشد خلاقیت می دانند (سانسان وال، ۲۰۱۴). اثربخشی بازی در افزایش خلاقیت در انواع پژوهش ها نشان داده شده است (رادبخش و همکاران، ۱۳۹۲، مولیناکس و دیلالا، ۲۰۰۹؛ امامی و همکاران، به نقل از رادبخش). البته باید اذعان کرد که طبق پژوهش موران و همکاران (۱۹۸۸) اسباب بازی و بازی های ساختاریافته انعطاف پذیری تفکر را به طور معناداری کاهش می دهند؛ بنابراین در مطالعه حاضر بازی های در نظر گرفته شده (مثل بازی اگر فردا؟ چه خوب چه بد، استفاده از اشکال هندسی تانگ، کاربرد اشیاء و...) هیچ ساختار و محدودیتی را به کودک اعمال نمی کرد و کودک آزاد بود که طبق مؤلفه های تفکر خلاق گیل فورد تفکر خود را پرورش دهد.

طبق پیشینه پژوهش (نظری و تجربی) قصه و داستان اگر به صورت درست و اصولی مورد استفاده قرار گیرد روش دیگری برای افزایش خلاقیت و مؤلفه‌های آن در کودکان محسوب می‌گردد (رادبخش و همکاران، ۱۳۹۲؛ ذکریایی و همکاران، ۱۳۸۷؛ سموگزیوزک، ۲۰۱۲ و مسبلاین، ۲۰۰۷ به نقل از سموگزیوزک ۲۰۱۲). امروزه در بعضی از مراکز پیش‌دبستانی ساعت‌هایی را برای خواندن کتاب داستان برای کودکان اختصاص می‌دهند یا آخر هفته کتاب داستان به کودکان امانت داده می‌شود و اول هفته کتاب پس گرفته می‌شود. باید گفت که چنین فعالیت‌هایی شاید باعث افزایش روحیه‌ی کتاب‌خوانی، مسئولیت‌پذیری و امانت‌داری و بهبود خواندن در آینده گردد اما این عمل افزایش‌دهنده خلاقیت کودکان نیست. قصه زمانی باعث افزایش خلاقیت می‌شود که کودک به جای اینکه منفعلانه به داستان گوش دهد فعالانه داستان خلق کند. قصه و داستان اگر به روش خلاق و مبتنی بر ایجاد، تخیل و تصویرسازی باشد باعث افزایش خلاقیت و انگیزش درونی می‌شود. پس شنیدن قصه به تنهایی نمی‌تواند در افزایش خلاقیت مؤثر باشد. در مطالعه حاضر، کودکان شنونده منفعل نبودند بلکه داستان خلق می‌کردند و یا به داستانی که پایان عجیبی داشت فعالانه پاسخ می‌گفتند.

کاردستی نیز جلوه‌ای دیگر از فعالیت‌های هنری است که می‌تواند در پرورش روحیه خلاق مؤثر باشد. در ارتباط با معما باید عنوان کرد که معما نوعی حل مسئله است که به علت ارتباط تنگاتنگ با خلاقیت و جذابیت برای کودکان در برنامه‌ها گنجانده شد.

بهره‌گیری از شیوه‌های آموزشی مطرح شده در بالا در طول ۱۲ جلسه باعث شد که کودکان ایده‌ها و پاسخ‌های فراوانی را در ارتباط با موضوع هر جلسه مطرح کنند در نتیجه سیالی ذهن آن‌ها افزایش یافت. مطابق با آموزش‌های سنتی، بعضی از کودکان در کلاس خلاقیت به دنبال جواب‌های درست و قطعی بودند که به آن‌ها گفته می‌شد که هر جواب مطرح شده از طرف شما درست است و مهم این مسئله است که تا می‌توانید برای موضوع مطرح شده در هر جلسه ایده و راه‌حل خلق کنید و از کودکان خواسته شد که به فکر خود اجازه دهند که تا می‌تواند بیارد و این مسئله انتزاعی از طریق عکس و تکرار برای آن‌ها قابل فهم گردید. به دنبال این تأکید

حالت‌های محافظه کارانه و میل به تائید به‌ویژه در کودکان دختر کاهش پیدا کرده بود. همچنین زمانی که خستگی در کودکان احساس می‌شد و یا اینکه فعالیت‌های کودکان جنبه‌ی تکراری و کلیشه‌ای پیدا می‌کرد با مداخله محقق و جابه‌جا کردن مقوله‌های ذهنی، انگیزه و ذوق برای انجام کار و تنوع بیشتر به‌وضوح قابل مشاهده بود. همچنین به دنبال افزایش سیالی و انعطاف‌پذیری، بهبود اصالت نیز در کودکان گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل مشاهده گردید؛ زیرا علاوه بر اینکه سیالی و ارائه پاسخ مورد تشویق قرار می‌گرفت زمانی که ایده‌ای غیرقابل انتظار و معمول ارائه می‌شد مورد توجه و تکرار بیشتر قرار می‌گرفت و سعی می‌شد توجه سایر اعضا به آن جلب شود. در طول هر جلسه متناسب با موضوع با پرسیدن سؤال (مثلاً دیگر چی می‌توانیم به آن اضافه کنیم؟ چگونه می‌توانیم آن را قشنگ‌تر کنیم؟) توجه به جزئیات، دقت و توجه و غنی کردن ایده‌ها نیز مدنظر قرار گرفت و نتایج نیز نشان داد که بسط به‌طور معناداری در کودکان گروه آزمایش بالاتر از کودکان گروه کنترل است.

یافته‌های مربوط به جنسیت نشان داد که کودکان دختر در نمره کلی خلاقیت و مؤلفه‌های انعطاف، اصالت و بسط عملکرد بالاتری نسبت به پسران دارند. از دلایل به دست آمدن این نتیجه می‌توان به نقش انگیزه اشاره کرد. کودکان دختر در پاسخ‌گویی به آزمون تفکر خلاق که برای آن‌ها حکم نقاشی داشت انگیزه و شوق بیشتری نشان می‌دادند و حتی بعضی از کودکان دختر خواهان وقت بیشتری برای تکمیل دایره‌ها (آخرین فعالیت فرم B) بودند؛ و بعضی از آن‌ها به علت عدم بازداری بعد از اتمام وقت کشیدن ادامه پیدا می‌کرد که البته علامتی مبنی بر پایان گذاشته می‌شد و به کودک اجازه اتمام کار داده می‌شد؛ اما چنین هیجان و انگیزه مثبت در این حد در کودکان پسر مشاهده نگردید. همچنین مطالعات گذشته دریافتند که زنان در حوزه‌های هنرهای بصری و مردان در حوزه‌های ورزشی خود را در سطح بالاتری ارزیابی می‌کنند (چارتن^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). در پژوهش حاضر از آزمون تصویری تورنس استفاده گردید که در آن

میزان خلاقیت دختران بالاتر برآورد شد شاید اگر مقیاس تفکر خلاق تورنس در عمل و حرکت نیز در پژوهش مورد استفاده قرار می‌گرفت به نتایج دقیق‌تری در ارتباط با جنسیت دست می‌یافتیم. لازم به ذکر است که در بسیاری از پژوهش‌ها در ارتباط با جنسیت تفاوتی دیده نشد یا در خرده مؤلفه‌ها نتایجی متفاوت از این پژوهش به دست آمد که می‌توان علت آن را در ابزار پژوهش، زمینه بروز و تجلی خلاقیت، فرهنگ، روش‌های نمره دهی، نوع تجزیه و تحلیل داده‌ها، سن و یا ترکیبی از این عوامل جست‌وجو کرد.

از دیگر سو مشاهده گردید که بعد از جلسات آموزش، خلاقیت تأثیر افزایشی یکسانی در نمره کلی خلاقیت داشته است؛ اما بسط و اصالت در کودکان گروه آزمایشی دختر بالاتر از کودکان گروه آزمایشی پسر بود. این یافته با بسیاری از پژوهش‌های گذشته هم‌خوان و با بسیاری ناهم‌خوان است (کاسلاس و مگا، ۲۰۰۹؛ هانگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ پریو، ۲۰۰۶؛ لی، ۲۰۰۵؛ رشیدی و شهرآرای، ۱۳۸۷). باید عنوان کرد که بدون مداخله اثر آموزش بسط، اصالت و انعطاف‌پذیری در دختران بالاتر بود و باید گفت که آموزش توانست انعطاف‌پذیری ذهن کودکان پسر را افزایش دهد اما در بسط و اصالت دختران برتری خود را حفظ کرده‌اند. رشیدی و شهرآرای (۱۳۸۷) بالاتر بودن نمرات آزمودنی‌های دختر از نمرات آزمودنی‌های پسر در بعد بسط را به سبک‌شناختی تحلیلی نگر دختران و کلی‌نگری پسران مربوط می‌داند.

نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند استفاده اصولی از روش‌های مذکور در متن مقاله برای افزایش سطح خلاقیت مؤثر است بنابراین مربیان و مدیران مراکز پیش‌دبستانی باید نسبت به این مسئله توجه شده و کلاس‌های برای آن‌ها گذاشته شود تا برنامه‌ای غنی برای پرورش کودکان به برنامه‌های عادی روزانه با روش تدریسی جدید اضافه گردد؛ به عبارت دیگر ممکن است به‌طور روزانه در مراکز پیش‌دبستانی کتاب داستان خوانده شود، نقاشی کشیده شود و...؛ اما اگر تمام این فرایندها مبتنی بر تفکر خلاق باشد برون داد و نتایج کار متفاوت خواهد بود. همچنین پیشنهاد می‌شود که بررسی‌های بیشتری در زمینه جنسیت در دوران پیش‌دبستانی در ارتباط با مؤلفه

خلاقیت انجام گیرد و در صورتی که بازهم پسرها در سطح پایین تری قرار داشتند تدبیری اصولی اندیشه گردد.

منابع

جمالی فیروزآبادی، محمود؛ سپهریان حیدر زاده، منوچهر و جلالی کشاورز، مریم (۱۳۸۹). تأثیر روش های آموزش نقاشی بر افزایش خلاقیت کودکان. *تحقیقات روان شناختی*، ۲(۷): ۱۰۴-۱۱۱.

جمالی نژاد، راضیه؛ اصغری نکاح، سید محسن و کارشکی، حسین (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش خلاقیت مادر- کودک و خودکارآمدی والدگری مادران کودکان پیش دبستانی. *پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد*.

جهانی، جعفر (۱۳۸۵). بررسی تحلیلی و مقایسه ای تأثیر رویکردهای مختلف آموزش خلاقیت بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان و نوجوانان. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۵(۴): ۴۷-۶۱.

ذکریایی، منیژه؛ سیف نراقی، مریم؛ شریعتمداری، علی و نادری، عزت اله (۱۳۸۷). بررسی اثر اجرای برنامه درسی با بهره گیری از قصه گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و یادگیری دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی منطقه ۵ شهر تهران. *پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد*، ۴(۱۶): ۱۹-۵۲.

رادبخش، ناهید؛ محمدی فر، محمدعلی و کیان ارثی، فرحناز (۱۳۹۲). اثربخشی بازی و قصه گویی بر افزایش خلاقیت کودکان. *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۲(۴): ۱۷۷-۱۹۵. رشیدی، اسماعیل و شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۷). بررسی رابطه خلاقیت با منبع کنترل. *فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی*. ۳(۳)، ۸۳-۹۹.

اثر بخشی برنامه پرورش خلاقیت به شیوه فعالیت‌های...

شریفی، علی‌اکبر و داوری، رقیه (۱۳۸۸). مقایسه تأثیر سه روش پرورش خلاقیت در افزایش خلاقیت دانش‌آموزان پایه دوم راهنمایی. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*. ۱۵(۱): ۵۷-۶۲.

شیخ‌الاسلامی، راضیه و رضویه، اصغر. (۱۳۸۴). پیش‌بینی خلاقیت دانشجویان دانشگاه شیراز با توجه به متغیرهای انگیزش بیرونی، انگیزش درونی و جنسیت. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. ۲۲(۴): ۹۴-۱۰۳.

عسگری، محمد (۱۳۸۶). تأثیر روش‌های آموزش خلاقیت بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی. *پژوهش‌های روان‌شناختی*. ۱(۳ و ۴): ۸۲-۹۸.

غلامی توران پشته، مرضیه و کریم زاده، صمد. (۱۳۹۰). تأثیر بازی‌های رایانه‌ای بر خلاقیت و رابطه آن با سازگاری روانی دانش‌آموزان. *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*. ۷(۱): ۵۵-۶۸.

گنجی، حمزه؛ پاشا شریفی، حسن و میر هاشمی، مالک (۱۳۸۴). اثر بارش مغزی بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان. *فصلنامه تعلیم و تربیت*. ۲۱(۱): ۸۱-۱۱۲.

مرزیه، افسانه؛ اژه ای، جوادی؛ حجازی، الهه و قاضی طباطبایی، سید محمود (۱۳۹۱). پیش‌بینی خلاقیت دانش‌آموزان با توجه به متغیرهای حمایت خودمختاری ادراک‌شده، ساختار ادراک‌شده و جنسیت. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*. ۹(۱۶): ۱۳۲-۱۴۸.

Alfonso-Benlliure, V.; Meléndez, G & García-Ballesteros, M. (2013). Evaluation of a creativity intervention program for preschoolers. *Thinking Skills and Creativity*, 10, 112-120.

Baer, J & Kaufman, J.C. (2008). Gender Differences in Creativity. *Journal of Creative Behavior*. 42(2), 75- 105.

Charyton, C. Basham, K. & Elliott, J. (2008). Examining gender with general creativity and preferences for creative persons in college students within the sciences and the arts. *Journal of Creative Behavior*, 42(3), 216- 222.

Cheung, R & Leung, C. (2014). Preschool teachers' perceptions of creative personality important for fostering creativity: Hong Kong perspective. *Thinking Skills and Creativity*. 12,78-89.

- Dziedziewicz, D. Gajda, J & Karwowski, M. (2014). Developing Children's Intercultural Competence and Creativity. *Thinking Skills and Creativity*. 1- 34.
- Hong, E. Peng, Y. Jr, H. & Wu, J. (2013). Domain-General and Domain-Specific Creative-Thinking Tests: Effects of Gender and Item Content on Test Performance. *The Journal of Creative Behavior*. 47(2), 89–105.
- Hui, A., & Lau, S. (2006). Drama education: A touch of the creative mind and communicative-expressive ability of elementary school children in Hong Kong. *Thinking Skills and Creativity*, 1, 34–40.
- Karakelle, S. (2009). Enhancing fluent and flexible thinking through the creative drama process. *Thinking Skills and Creativity*, 4, 124–129.
- Karwowski, M & Soszynski, M. (2008). How to develop creative imagination? *Thinking Skills and Creativity*, 3, 163–171.
- Koutsoupidou, T. & Hargreaves, D. (2009). An experimental study of the effects of improvisation on the development of children's creative thinking in music. *Psychology of Music*, 37, 251–278.
- Lee, K-H. (2005). The relationship between creative thinking ability and creative personality of preschoolers. *International Education Journal*, 6(2), 194-199.
- Michinov, N. (2012). Is electronic brainstorming or brain writing the Best Way to Improve Creative Performance in Groups? An Overlooked Comparison of Two Idea-Generation Techniques. *Journal of Applied Social Psychology*, 42, 222- 243.
- Moran, J. Sawyers, J. & Moore, A. (1988). Effects of Structure in Instruction and Materials on Preschoolers' Creativity. *Home economics research journal*, 17(2), 148- 152.
- Mullineaux, P. & Dilalla, L. (2009). Preschool Pretend Play Behaviors and Early Adolescent Creativity. *Journal of Creative Behavior*, 43(1), 41- 57.
- Prieto, M.D., Parra, J., Ferrando, M., Ferrandiz, C., Bermejo, M.R., & Sanchez, C. (2006). Creative abilities in early childhood. *Journal of Early Childhood Research*, 4, 277–290.
- Robson, S. (2014). The analyzing children's creative thinking framework: development of an observation- led approach to identifying and analyzing young children's creative thinking. *British Educational Research Journal*. 40(1), 121- 134.
- Russ, S. (1996). Development of Creative Processes in Children. *New directions development*, 72, 31- 42.
- Sansanwal, S. (2014). Pretend play enhances creativity and imagination. *Journal of Arts and Humanities (JAH)*, 3(1), 70- 83.

- Smogorzewska, J. (2009). Storyline and Associations Pyramid as methods of creativity enhancement: Comparison of effectiveness in 5-year-old children. *Thinking Skills and Creativity*, 7, 28–37.
- Stephens, K. R., Karnes, F. A., & Whorton, J. (2001) Gender differences in creativity among American Indian third and fourth grade students. *Journal of American Indian Education*, 40(1), 57-65.
- Vanhook, C. & Tegano, D. (2002). The relationship between creativity and conformity Among Preschool Children. *Journal of Creative Behavior*, 36(1), 1- 16.
- Yeh, Y.H. (2008). Age, Emotion Regulation Strategies, Temperament, Creative Drama, and Preschoolers' Creativity. *Journal of Creative Behavior*, 42(2), 131- 149.